او را لعنت نکنید، به الله قسم! من نمی‌دانم [که چنین است] مگر اینکه او الله و رسولش را دوست می‌دارد

از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که می گوید: که مردی در زمان پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بود که نامش «عبدالله» و لقبش «حمار» بود و [گاهی] رسول الله (ص) را می‌خندانْد، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) او را به دلیل نوشیدن شراب تازیانه زده بود، روزی [باز] او را آوردند و حضرت دستور داد تا تازیانه بخورد، مردی از جمعیت گفت: «الهی! او را لعنت کن، چه بسیار که [به خاطر این گناه] آورده می‌شود!» پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «او را لعنت نکنید، به الله قسم! من نمی‌دانم [که چنین است] مگر اینکه او الله و رسولش را دوست می‌دارد».

[صحیح] [بخاری روایت کرده]

در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) مردی بود به نام «عبدالله» که به «حمار» ملقّب بود، او گاهی با برخی سخنانش پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را می‌خندانْد و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) او را به دلیل نوشیدن شراب تازیانه زده بود، روزی او را در حالی که شراب نوشیده بود آوردند و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) دستور داد تا تازیانه زده شود. یکی از حاضران وی را دشنام داد و گفت: «الله او را لعنت کند! چه بسیار که [به سبب شرابخواری] آورده می‌شود؟! پس پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) فرمودند: بر او دعای بد مکنید که از رحمت الله رانده گردد، به الله قسم من جز این نمی‌دانم که او الله و پیامبرش را دوست دارد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/66214